

## شبیه سازی از نگاه آیت‌الله سید محمدحسین فضل‌الله

پس از طرح اخبار شبیه سازی و پرسش از حکم شرعی آن، آیت‌الله سید محمدحسین فضل‌الله مرجع شیعی لبنانی در اقدامی که تا آن زمان میان علمای همه ادیان و مذاهب بی سابقه بود، آن را به لحاظ شرعی، جایز شمرد؛ هرچند پاره ای از لوازم و پیامدهای اخلاقی، حقوقی و فقهی آن را شایسته مطالعه و بررسی دانست. بلافاصله مرحوم شیخ محمد مهدی شمس‌الدین با توجه به نظر ایشان، و در مخالفت با آن سه دلیل برای حرمت شبیه سازی ارائه کرد. پس از آن آقای فضل‌الله در گفت و گویی که در ادامه از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد، به تکرار نظر خود و ذکر ادله مرحوم شمس‌الدین و رد آنها پرداخت.

نظر حضرت عالی درباره شبیه سازی چیست؟ همچنین درباره واکنش‌های موافق و نیز واکنش‌های مخالفی که این عمل را شیطنانی و دخالت در کار خداوند سبحان می‌داند، چه نظری دارید؟ به نظر ما این اختراع، دخالت در کار خداوند نیست. زیرا کسانی که اقدام به این کار می‌کنند، راز آفرینش الهی را در عمل زاد و ولد به گونه ای کشف کرده‌اند که راه به قوانین الهی می‌برد. این تجربه، قانون و سنت جدیدی نیافریده است، بلکه برخی اسرار جسم انسان را کشف کرده و توانسته است آن را نسخه دوم انسان و حیوان بشناسد. این مسئله هیچ ضدیتی با مبانی فکر دینی و عقیده دینی ندارد؛ زیرا انسان را در کنار خداوند بر کرسی خالقیت نمی‌نشانند، بلکه انسان با این روش به قوانین الهی در جهت قوانین دست می‌یابد. اما نتایج ایجابی و سلبی این اقدام، نیازمند مطالعه و بررسی اخلاقی و حقوقی است؛ زیرا براساس این روش امکان فراوانی برای به وجود آمدن انسانی وجود دارد که فقط مادر دارد و فاقد پدر است. در آن صورت به لحاظ شرعی و اخلاقی و حقوقی مسائلی وجود دارد که قابل طرح است و باید بدان‌ها پاسخ گفته شود. طبیعی است که در این امور نمی‌توان حکمی مستقیم و فراگیر صادر کرد، بلکه باید مطالعات فقهی و اخلاقی و حقوقی را در این موضوع پیگیری کرد. ما به علم ایمان داریم؛ زیرا علم، اسرار آفرینش را برای ما آشکار می‌کند. زمانی که اسرار هستی را کشف کردیم، راز عظمت خدا را در خواهیم یافت. اما مشکل این جا است که علم گاهی جهتی مخالف با مصلحت انسان می‌یابد و گاه موافق با مصلحت انسان. مسئله این است که انسان چگونه می‌تواند از اکتشافات در جهت سازندگی و نه ویران‌گری بهره‌گیرد. جالب است که کسی ۲ در نقد نظر ما نسبت به مسئله شبیه سازی، بر ما خرده گرفته است که ما گفته ایم: (اسلام با علم هماهنگ است و این هم علم است). اما این نقد غیرمنصفانه و دور از مسئولیت‌شناسی و امانتداری، گویا از آن رو بوده که وی این مطلب را از اطرافیان‌ش شنیده و زحمت خواندن نظر ما را بر خود هموار نکرده است. نظر ما درباره شبیه سازی این بود که اکتشافات علمی با اندیشه و عقیده دینی که تنها خدا را خالق هستی می‌داند، منافات ندارد. درباره حکم شرعی شبیه سازی هم با توجه به نتایج مثبت و منفی آن سخن گفتیم. اما ایشان، شبیه سازی انسانی را به چند دلیل حرام می‌داند. دلیل اول وی این است که ما انسان‌ها، مالک بدن خود و بدن دیگران نیستیم، مگر این که دلیلی داشته باشیم و عمل شبیه سازی هم از جهت صلاح و فساد بنابر عناوین ثانویه هیچ دلیلی ندارد. در رد این استدلال می‌گوییم که اصل اولی مباح بودن این عمل به اقتضای حکم عقل به قبح عقاب بلابیان و حکم شارع به برائت

شرعی است. از این رو، فقها برای تحریم این عمل به دنبال استدلال به حرمت زیان رسانی قابل توجه به دیگران - به گونه ای که به هلاکت و یا شبه هلاکت دیگران بینجامد - هستند و توجهشان به آیه (ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکه؛ و با دست خود، خودتان را به هلاکت میفکنید) است. اینان در حکم به حرمت شرعی این عمل به ارتکاز شرعی استناد و استدلال می کنند، دلیل دومی که وی بر حرمت شبیه سازی بدان استناد، می کند این آیه است: (ولامرّهم فلیبتکنّ آذان الانعام ولامرّهم فلیغیّرنّ خلق الله؛ و آنان را وادار خواهیم کرد تا گوش های دام ها را بشکافند و وادارشان می کنم تا آفریده خدا را دگرگون سازند). شبیه سازی هم نوعی دگرگونی آفرینش الهی است؛ زیرا شبکه روابطی را پدید می آورد که با شیوه معمول هیچ یک از ادیان و از جمله اسلام در تکوین خانواده هماهنگی ندارد. پاسخ ما به این استدلال آن است که تعبیر (دگرگونی آفرینش خدا) مختص انسان نیست؛ بلکه همه هستی را شامل می شود و اگر بخواهیم به اطلاق آن عمل کنیم، لازمه اش این است که اعمال تغییر و دگرگونی در تمام موجودات هستی و وضعیت های طبیعی جهان را حرام بدانیم؛ در حالی که کسی به این تلازم، ملتزم نیست؛ چرا که در آن صورت تخصیص اکثر پیش می آید. از این رو است که بسیاری از فقها استدلال به آیه یاد شده را برای تحریم تراشیدن ریش، باطل شمرده اند. پس ناچار باید تفسیری را که در روایات متعدد آمده است، بپذیریم که مراد از آفریده الهی، دین خدا یا اوامر الهی است. پاسخ دومی که به این استدلال می دهیم، این است که شبیه سازی، دگرگون سازی آفرینش الهی - به معنای عام آن - نیست؛ بلکه استفاده از نوعی آفرینش الهی از رهگذر اکتشاف راز جسم انسان در نظام سلول ها است که آن را هماهنگ با آفرینش الهی نشان می دهد؛ زیرا دگرگونی به معنای دخل و تصرف در جسم به وسیله تغییر دادن وضعیتی است که خداوند انسان را بدان گونه آفریده است؛ مانند اخته کردن انسان و مانند آن. اما گرفتن سلولی از مکانی مشخص و بارورسازی ژنتیک آن و قرار دادن آن در رحم، به معنای دگرگونی آفرینش الهی نیست؛ بلکه استفاده از نظام موجود در آفریده خدا است و درست همانند تلقیح و باروری در خارج از رحم و تولید بچه های آزمایشگاهی است. دلیل سومی که این شخص برای حرمت شبیه سازی ذکر می کند، آیه ای است که می گوید: (فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته؛ آنها از آن دو [فرشته] چیزهایی می آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند). وی از این آیه چنین برداشت می کند که تغییر شکل دادن به خانواده، عملی نامشروع و حرام است. پاسخ این استدلال آن است که ظاهر آیه، جدایی افکندن میان زن و مرد را به صورت عملی و واقعی و به گونه ای که منجر به فروپاشی خانواده و زندگی زناشویی شود، دلالت دارد، ولی شبیه سازی ربطی به فروپاشی خانواده ندارد. بنابراین استدلال وی نه به لحاظ ظهور آیه و نه حتی اشارات آن، هیچ مبنایی ندارد.